

به ای ۳ [با همان تروئیکای اروپایی] برای اعمال دوباره تحریم‌های اسنپک در پایان ماه سپتامبر، انزوای ایران را تعمیق کرده است. اگر واشنگتن به نادیده گرفتن این مسئله ادامه دهد، فرصت تشکیل و تحکیم صلح ماندگار، کمتر و کمتر خواهد شد.

رئیس‌جمهور ترامپ متوجه این واقعیت هست، او هفته گذشته اعلام کرد «آن‌ها [دولت ایران] می‌رفتند که در فاصله یک ماه سلاح هسته‌ای داشته باشند و حالا می‌توانند عملیات آن را دوباره از اول شروع کنند، اما امیدوارم این کار را نکنند، چون اگر بکنند مجبور می‌شویم به حساب آن هم برسیم.» ترامپ از تهران دعوت کرد در نشست شرم‌الشیخ درباره غزه شرکت کند، دعوتی که تهران رد کرد. پیام واضح بود: جاه‌طلبی‌های مبهم هسته‌ای ایران و بن‌بست تقابلیش با ایالات متحده، همچنان سایه‌ای است که بر سر ثبات گسترده‌تر در منطقه سنگینی می‌کند.

#### ▼ موضع ایران

ایران در حال حاضر خود را به لحاظ راهبردی در گوشه‌ای به دام افتاده می‌بیند، با فضای مانوری بسیار محدود. ایالات متحده و اسرائیل در طول جنگ ۱۲ روزه ماه ژوئن، ضربه‌ای جدی به برنامه هسته‌ای ایران زدند. تحریم‌های دوباره اعمال‌شده اروپا هم مسدودکردن دارایی‌ها، تحریم تسلیحاتی ممنوعیت تجارت در حوزه انرژی را به همراه آورده است.

اقتصاد ایران، پیش از این‌ها هم تحت فشار شدید بود، به خاطر تحریم‌های فشار حداکثری آمریکا که در سال ۲۰۱۹ دوباره اعمال شدند، یعنی زمانی که ترامپ از برجام با همان توافق هسته‌ای ایران خارج شد. واحد پول ایران به نوسان ادامه می‌دهد، تورم اوج گرفته، صادرات نفت محدود شده و سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد.

این فشارهای اقتصادی، به نارضایتی گسترده‌ای هم کمک کرده‌اند، گرچه از سال ۲۰۲۲، اعتراضات گسترده و مهمی سر بر نیاورده‌اند؛ اما دولت ایران گزینه‌های محدودی برای مهار وضعیت روبه‌نزول در کوتاه‌مدت دارد. هم‌زمان، شبکه منطقه‌ای ایران چندباره شده است و موضع‌اش الان ضعیف‌تر از هر زمان دیگر در طول دهه اخیر است. آنچه «محور مقاومت» خوانده می‌شد و ایران در طول دهه‌ها آن را رشد داده بود، تحت حملات نظامی بی‌محابی اسرائیل، تحلیل رفته است.

حماس در جنگ غزه صدمات جدی دیده و تحت فشار ترامپ قانع به پذیرش چیدمانی برای آتش‌بس شده است. حزب‌الله در لبنان، فقدانی سنگین در سطح رهبران متحمل شده و با فشار فزاینده داخلی و خارجی که برای خلع سلاح مواجه است، شبه‌نظامیان عراقی که زمانی به عنوان نمایان ایران عمل می‌کردند، حالا تحت

پزشکیان به نظر متوجه این هستند که بعد از جنگ، تنها راه برای احیای اقتصاد ایران، رفع تحریم‌هاست، از طریق توافق.

از این رو، این احتمال هست که پس از جنگ، شرایطی ایجاد شده باشد که منجر به توافق شود، با اعمال شرایطی که مانع از ساخت بمب هسته‌ای از سوی ایران در آینده خواهد شد و تضمین خواهد کرد ایران نمی‌تواند ظرفیت‌های غنی‌سازی در ابعاد صنعتی را در آینده برپا کند. چنان که ذکر شد، ایران هنوز به لحاظ اصولی حاضر است ظرفیت‌های غنی‌سازی در خاک خود را به میزان قابل‌توجهی محدود کند.

اسرائیل، البته با هر گونه توافق که اجازه رفع تحریم‌ها را بدهد، مخالف است؛ با این حال، باید به خاطر داشته باشیم که بدون توافق، با تهدیدهای موجود اسرائیل برای ازسرگیری جنگ و نگرانی‌های عمیق در ایران مبنی بر اینکه اسرائیل قصد دارد دوباره به ایران حمله کند، احتمال تشدید تنش به‌شدت بالاست، خواه این تشدید تنش، با «حمله پیش‌گیرانه» از سوی ایران و با سوءمحاسبه باشد، یا با حمله‌ای از سوی اسرائیل که اگر ایران به دنبال بازسازی برنامه هسته‌ای برود، کلید بخورد.

ظاهر ماجرا این است که اسرائیل سوار بر موج دستاوردهای کارزار پیشین، تعللی برای ازسرگیری جنگ نخواهد کرد؛ جنگی که به او اجازه خواهد داد «کار را تمام کند»؛ اما ازسرگیری جنگ، خطراتی مهم برای اسرائیل هم خواهد داشت. اول، لازم است به خاطر داشته باشیم که به‌رغم ادعاهای مقامات ارشد اسرائیل، اسرائیل نبرد با ایران را نبرد، دستاوردهای مهمی داشت اما چنان که اشاره شد، ایران نه‌تنها ظرفیت‌های هسته‌ای خود را حفظ کرد، بلکه در طول جنگ، توانست مناطق متعددی در اسرائیل را هدف قرار دهد و آسیب‌ی جدی ایجاد کند، با این که نقطه شروع اسرائیل در جنگ برایش بهینه بود.

#### ▼ ایرادات فرضیات درباره جنگ دوباره

بعلاوه، اگر کارزار علیه ایران دوباره شروع شود، به نظر می‌رسد شرایط اولیه این بار برای اسرائیل کمتر مناسب باشد. حتی اگر اسرائیل کارزاری دیگر را به راه بیااندازد، معلوم است که ایران آمادگی بهتری برای چنین کارزاری خواهد داشت، در سایه درس‌هایی که ایران از جنگ پیشین آموخته و تلاش‌هایش، به‌خصوص در حوزه سیستم‌های موشکی، برای استفاده از این درس‌ها در جهت بهبود توانایی‌اش در مقابله با تهدید اسرائیل.

علاوه بر این، معلوم نیست اسرائیل بتواند انتظار داشته باشد، همان قدر کمک از دولت ایالات متحده بگیرد که در کارزار پیشین گرفت، با توجه مؤکد به کمک‌های سخاوتمندانه‌ای که ایالات متحده در حوزه دفاع موشکی در

مدافه و انتقاد داخلی هستند، در حالی که رهبران عراق می‌خواهند در روزهای پیش از انتخابات ماه نوامبر پیش رو [اواسط پاییز جاری] از کشیدن‌شدن به میان درگیری‌های منطقه‌ای بپرهیزند. رژیم اسد در سوریه نیز جای خود را به دولت جدید و شکننده احمد الشرع داده است. فقط حوثی‌ها در یمن هستند که همچنان به پرتاب محدود پهپادها به سمت اسرائیل ادامه می‌دهند؛ اما ظرفیت آن‌ها محدود است و انتظار می‌رود حملات اسرائیل به آن‌ها هم از سر گرفته شود.

#### ▼ انفعال آمریکا و غبارافکنی اروپا

این تغییرات منطقه‌ای باید درچه‌ای به روی ایالات متحده بگشاید؛ اما تا اینجا یی کار، دولت ترامپ رویکرد خود را به اقدام نظامی ماه ژوئن محدود کرده و به گزینه پیش‌فرض تداوم تحریم‌ها در فشار حداکثری، هنوز مسیر دیپلماتیکی مشخص برای رسیدگی به موضوع جایگاه ایران در نظم منطقه‌ای تبیین نشده است. تاریخ نشان می‌دهد بدون ابتکار دیپلماتیک روشن، ایران بیشتر مواقع به نقش امتحان‌پس‌داده‌اش به عنوان بازی‌به‌هم‌زن رجوع می‌کند. ممکن است به دنبال بازسازی برنامه هسته‌ای‌اش برود، گروه‌های نیابتی تازه‌ای رشد دهد و روابط قدیمی خود را تحکیم کند. تهران همین حالا هم به دنبال برقراری دوباره بازدارندگی و بازسازی دفاع هوایی خود است تا برای تقابل دوباره احتمالی با اسرائیل آماده شود.

رویکرد اروپا چشم‌انداز دیپلماتیک را غبارآلودتر هم کرده است. تصمیم تروئیکای اروپایی برای اعمال دوباره تحریم‌ها بنا بود به ایران فشار آورد و به تعامل با دولت ترامپ مجبورش کند؛ اما این رویکرد نتیجه عکس داد: بی‌اعتمادی بین تهران و پایتخت‌های اروپایی را تعمیق کرد و اروپا را بدون هیچ راهبرد مشخصی بر جای گذاشت. حالا که اسنپک در حال اجراست، آن‌ها نه اهرم فشاری دارند و نه برنامه منسجمی برای از سرگیری تعامل با ایران، یا میانجیگری بین واشنگتن و تهران. چنددستگی‌های درونی، موضع آن‌ها را بیشتر هم تضعیف می‌کند. بدون رهبری ایالات متحده، سیاست تحریم‌های اروپا، با این خطر مواجه است که به ورطه بی‌اهمیتی و بی‌ربطی بگلتند.

بحث درباره ایران در ایالات متحده، درگیر شکاف و سیاست‌زدگی است. دولت رئیس‌جمهور ترامپ همچنان بر سر اینکه دنبال چه نتیجه‌ای است، دچار اختلاف است؛ تغییر حکومت، مهار هسته‌ای یا ادغام دوباره ایران در نظم منطقه‌ای. هر کدام به ابزارهایی متفاوت نیاز خواهند داشت و بدون اجماع، واشنگتن با این خطر مواجه است که پیام‌های درهم و متناقض بفرستد و چرخ این بحران را در حال چرخش نگه دارد.

#### ▼ رویکرد دیپلماتیک تازه به ایران

طرح کلی رویکردی جامع‌تر را همین حالا هم می‌شود دید. واشنگتن نیاز خواهد داشت، بازدارندگی نظامی خود را با چارچوب دیپلماتیکی معتبر جفت کند؛ چارچوبی که برای برنامه هسته‌ای ایران محدودیت‌هایی تعیین می‌کند و فضا را برای تسکین اقتصادی جدی در صورت پایبندی ایران، باز می‌کند. ضمناً لازم خواهد داشت هماهنگی نزدیک‌تری با اتحادیه اروپا و بریتانیا داشته باشد، به عنوان طرف‌هایی که ظرفیت ترکیب فشار تحریم‌ها با مشوق‌های همکاری را دارند.

میانجی‌های منطقه‌ای تازه هم باید فراخوانده شوند. شمول عربستان سعودی در این چارچوب، اهمیت اساسی دارد. عربستان سعودی باید در این چارچوب باشد تا نقش وساطت ایفا کند، روابط اقتصادی برقرار کند و تضمین‌های امنیتی بدهد. ریاض مسیر عادی‌سازی خود را با تهران ادامه داده است و در ثبات گسترده‌تر منطقه‌ای، ذی‌نفع است.

ممانعت از جنگ مستقیم دیگری بین ایران و اسرائیل هم باید هدفی مرکزی باشد. درگیری تازه بی‌ثباتی منطقه را دوباره کلید خواهد زد و پیشرفت کار در غزه را از مسیر خارج خواهد کرد؛ از این رو، هر فرآیند گسترده‌تر دیپلماتیک باید مفاهمه‌ای برای عدم تهاجم و عدم مداخله را هم در نظر بگیرد؛ مفاهمه‌ای که در آن بازیگران منطقه‌ای از خصوصیت مستقیم ریزیز و به کارگیری نیابتی‌های ثبات‌زدا اجتناب می‌کنند. چنین سازکارهایی می‌تواند به عنوان ابزارهای اعتمادسازی عمل کنند و نیز به عنوان بنیانی برای معماری امنیتی بلندمدت‌تر در منطقه. جایگزین این ایده‌ها، رهاکردن ایران در وضعیت انزوا و تقابل مداوم است. این هم در نهایت همان پیشرفتی را که ترامپ در غزه دارد، تضعیف خواهد کرد. محور مقاومت درهم‌خورده، در صورتی که زمان بیاید، می‌تواند دوباره خود را شکل دهد. برنامه هسته‌ای هم موقتاً دچار اخلال شده و می‌تواند دوباره از نوا راه بیفتد. مهار ایران بدون مسیر دیپلماتیک، مُسکنی موقتی است، نه راهبردی قابل‌دوام.

آتش‌بس غزه برای رئیس‌جمهور ترامپ، دستاورد مهمی است، اما کارهای سخت‌تر هنوز پیش رو هستند. حکمرانی در غزه، تشکیل کشور فلسطینی و تضمین‌های امنیتی اسرائیل، همه اهمیت کلیدی دارند؛ اما تا به چالش ایران هم رسیدگی نشود، هر صلحی شکننده خواهد بود. ترامپ نشان داده می‌تواند انرژی، توجه و فشار لازم را برای تحمیل پیشرفت‌های مهم، بسیج کند. حالا لازم است او همین عزم را برای شکل‌دادن به چارچوبی منطقه‌ای به کار گیرد که ایران را در نظامی باثبات‌تر ادغام می‌کند یا لاقل مانع از این می‌شود که مرحله بعدی دیپلماسی خاورمیانه‌ای را به هم بزند.

ترجمه: روح‌اله نخعی

#### دیپلمات‌ها



#### شرایط مذاکره هنوز فراهم نیست

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه در خصوص اظهارات استیوویتکاف مبنی بر اینکه تماس‌هایی از ایران دریافت کرده است، گفت: «تماس‌های غیرمستقیم و با واسطه بین ایران و طرف‌های مقابل، همچون گذشته، کم‌وبیش ادامه دارد و در این چارچوب، واسطه‌ها پیام‌هایی میان طرفین تبادل کرده‌اند. با این حال، نمی‌توان گفت که ایران در آستانه ورود به یک روند مذاکراتی قرار دارد؛ همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، شرایط لازم برای آغاز مذاکرات رسمی و جدی هنوز فراهم نیست.» وی ادامه داد: «در مورد ورود به هر روند دیپلماتیک، هر زمان که واقعاً این جمع‌بندی از سوی طرف‌های مقابل صورت بگیرد که حاضرند در یک گفت‌وگوی معقول وبادر نظر گرفتن منافع و حقوق مشروع ایران گفت‌وگو کنند، فکر می‌کنم مسیر بسته نیست.»

بقایی با اشاره به اجلاس وزرای جنبش عدم تعهد گفت: «یکی از مصوبات مهم این اجلاس به تحولات اخیر مربوط به ایران اختصاص داشت؛ جایی که جنبش عدم تعهد حمایت قاطع خود را از موضع جمهوری اسلامی ایران در خصوص غیرقانونی بودن اقدام سه کشور اروپایی و آمریکا در ادعای بازگرداندن قطعه‌نامه‌های لغوشده شورای امنیت اعلام کرد. این موضع‌گیری تنها یک پیام سیاسی نبود، بلکه بیانگر نگرانی جامعه جهانی از دست‌اندازی بر برخی قدرت‌ها بر نهادهای بین‌المللی و سوءاستفاده از ارکان سازمان ملل برای پیشبرد سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه است.» وی در ادامه تأکید کرد: «کشورها حتماً بر اساس مواضع صریح سیاسی که می‌گیرند، عملکرد خود را تنظیم می‌کنند. بنابراین، انتظار ما این است که در زمان اجرا نیز این مواضع لحاظ شود. چون ما اصلاً قائل به این نیستیم که اتفاقات اخیر تحول خاصی ایجاد کرده یا ایجاد خواهد کرد، سازوکارهایی در سطح سازمان ملل متحد و شورای امنیت برای عملیاتی کردن ادعای سه کشور اروپایی و آمریکا ایجاد نشود. بنابراین، امیدواریم که در عمل نیز نتایج این کارزار دیپلماتیک را ببینیم.» بقایی درباره انتظارش از اروپایی‌ها هم گفت: «پاسخ کوتاه این است که «شر نرسانید». سه کشور اروپایی باید نشان دهند که واقعاً اراده و توان لازم را دارند تا بتوانند به‌عنوان طرفی معتبر و قابل‌انکار مذاکرات عمل کنند. متأسفانه تا امروز چنین چیزی مشاهده نشده است. حتی شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد طرف اروپایی خود نیز به ناتوانی یا بی‌ارادگی‌اش در ایفای نقش مثبت و سازنده در تحولات بین‌المللی اذعان دارد.»

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره دیدگاه ایران پیرامون پایان قطعه‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و نیز چارچوب حقوقی فعالیت‌های هسته‌ای ایران در آینده توضیح داد: «ما به خاتمه قطعه‌نامه ۲۲۳۱ معتقد هستیم و موافقت‌نامه، ملزم به قطعه‌نامه‌ی ۲۲۳۱ بود. بر اساس نص صریح قطعه‌نامه، در روز خاتمه (Termination Day) که ۱۸ اکتبر، برابر با ۲۶ مهرام بود، این قطعه‌نامه خاتمه پیدا می‌کند.» وی ادامه داد: «در عین حال، بخشی از حقوقی که به‌موجب این قطعه‌نامه برای ایران کسب شده، به‌صورت منطقی تغییری نمی‌کند. در این قطعه‌نامه بر غنی‌سازی ایران و یا مجموعه‌ای از موضوعات که فارغ از این قطعه‌نامه ادامه پیدا می‌کنند؛ تأکید شده است.»

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای درباره میانجیگری رئیس‌جمهور روسیه میان ایران و آمریکا با توجه به سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی به این کشور گفت: «به صورت مستمر و طبیعی با دوستان خود در منطقه در رابطه با موضوعاتی که به نوعی به امنیت کشورمان مرتبط می‌شود، در تماس هستیم. تماس‌ها با روسیه هم به همین ترتیب در سطوح مختلف ادامه دارد و همین امروز نماینده ویژه روسیه در امور سوریه، آقای لاورتیف، با مقام‌های ذی‌ربط در وزارت خارجه و خارج از وزارت خارجه دیدار دارند. بنابراین، این تماس‌ها در چارچوب مشورت‌های منظمی است که بین ایران و روسیه، در رابطه با موضوع هسته‌ای و هم سایر موضوعات دوجانبه، ادامه دارد.»